

گفت‌وگو با تهیه‌کننده و بازیگر سریال شبکه ۲ سیما

حس «تب‌وتاب» روی آنتن

نوشین مجلسی

روزنامه‌نگار

«خانه‌ای قدیمی، گرمای حضور پدر و مادر، دیالوگ‌های شعرگونه و آدم‌هایی از جنس مردم همین سرزمین با دغدغه‌ها و مشکلات ظاهراً ساده که البته با کمی ناملاپتمنی ممکن است دردسر بزرگی ایجاد کند...»، یک تعریف مختصر از فضای سریال «تب‌وتاب» است که این شب‌ها با قصه‌ای آشنا و ملموس به آنتن شبکه دو سیما صفا داده است. این سریال به قلم و کارگردانی داریوش مختاری قصه‌ای را قاب کرده که از دیرباز تا امروز مبتلابه بسیاری از خانواده‌هاست و نشان می‌دهد اگر زودتر آتش اختلافات کوچک خانوادگی را خاموش نکنیم، ممکن است لهیبش وسیع و دامن‌گیر شود. تهیه‌کننده و کارگردان این سریال برای جان بخشیدن به شخصیت‌های روایت‌شان سراغ چند چهره تازه و البته تعدادی بازیگران شناخته‌شده رفته‌اند. این ترکیب و گفت‌وگو درباره محتوا بهانه‌ای شد تا با مهدی شفيعی، تهیه‌کننده و حدیث نیکرو، بازیگر نقش سوده گپ بزنیم.

مهدی شفيعی، تهیه‌کننده سریال تب‌وتاب است که پیش از این هم در قاب تصویر و در قامت تهیه‌کننده تجربه‌هایی همچون تله‌فیلم‌های آبروی از دست رفت آقای صادقی، روزی که مینا گم شد، دم زری، نخل سوخته و بغض شیشه‌ای را با کارگردان متفاوت و بنام داشته‌است. همچنین سریال زندگی از نو که سال ۹۷ از شبکه پنج سیما پخش شد از دیگر آثار اوست. شفيعی در گفت‌وگو با ما از دومین همکاری‌اش با داریوش مختاری می‌گوید. مختاری پیش از این تله‌فیلم وارونگی را برای این تهیه‌کننده نوشته بود.

این شب‌ها سریال تب‌وتاب با بیانی شاعرانه، قصه‌ای خانوادگی را برای مخاطبان شبکه دو سیما روایت می‌کند.

قصه‌ای که شفيعی درباره بازخوردهای آن بیان می‌کند: تا امروز بازخوردهای خیلی خوبی درباره سریال دریافت کردم. البته باید در نظر بگیریم که تلویزیون با وجود پلتفرم‌ها و تعدد آثار رقابت سخت‌تری را نسبت به گذشته دارد اما با این حال سریال دیده می‌شود و کسانی که می‌بینند رضایتمندی بالایی دارند.

درام‌های خانوادگی معمولاً از محبوبیت بالایی میان مخاطبان ایرانی برخوردارند و تب‌وتاب از این جهت برگ برنده دارد. شفيعی در مورد دلایل اقبال از این گونه نمایشی عنوان می‌کند: این اتفاق شبیه یک منشور است و برای همین نمی‌توان گفت به یک دلیل خاص دیده می‌شود یا نمی‌شود. البته تلویزیون در ایران و

جهان مخاطبان خاصی دارد که این رسانه را به دلیل سهل‌الوصول بودن، دنبال می‌کنند. ابتدا اغلب خانم‌های خانه دار که بیشتر به تلویزیون دسترسی دارند این رسانه را می‌بینند؛ بعد اقشار دیگری که در زمان کارشان به تلویزیون دسترسی دارند و... بعد از این گروه می‌رسیم به کسانی که راس ساعتی خاص و به خاطر یک محصول خاص پای تلویزیون می‌نشینند که معمولاً اثری نمایشی است. پس تلویزیون دوست دارد با مخاطبان ارتباط برقرار و با ارائه محصول خوب آنها را جذب کند. در این موقعیت سراغ گونه‌هایی می‌رود که محبوبیت بیشتری دارند. از طرف دیگر خانواده رکن مهمی است و به همین خاطر درام خانوادگی در دنیا شناخته شده است.

وی ادامه می‌دهد: می‌گویند تئوری به نام «وراجی» وجود دارد که عنوان می‌کند آدم‌ها همیشه با همدیگر حرف علمی و جدی نمی‌زنند. گاهی پشت سر هم حرف می‌زنند و غیبت می‌کنند که همین باعث بحث‌های بزرگ‌تر می‌شود. این همان اتفاقی است که در قصه ما افتاده است و می‌تواند مخاطبان را با خود درگیر کند. یک کدورت کوچک ممکن است به دعوای بزرگ ختم شود.

همان‌طور که شفيعی می‌گوید قصه سریال تب‌وتاب با اختلاف مادرشوهر و عروس آغاز می‌شود و کم‌کم ابعادی وسیع‌تر پیدا می‌کند. این تهیه‌کننده توضیح می‌دهد: ما اختلافات متفاوتی در این خانواده می‌بینیم. ابتدا مه‌لقا

گپ

حدیث نیکرو، ایفاگر نقش سوده در «تب‌وتاب»:

بازیگران تئاتر موفق‌تر هستند

حدیث نیکرو پیش از این در سریال‌های از یاد رفته، خانه‌ای روی تپه، حیرانی، کامیون، رویای گنجشک‌ها، گپله‌وا، خانواده دکتر ماهان و... در جعبه جادو دیده شده و این شب‌ها با نقش «سوده» در سریال تب‌وتاب با مخاطبان همراه است. این بازیگر که بیشتر به عنوان یک چهره تئاتری شناخته می‌شود، با سوده حضوری تازه و البته گسترده‌تر را روی آنتن تجربه می‌کند. نیکرو در گفت‌وگو با جام جم از این تجربه می‌گوید.



داشتم در سریال هم درآمده باشد.

خودتان که سریال را دنبال می‌کنید از ما حاصل کارتان راضی هستید؟

این روزها مشغول بازی در اثر دیگری هستم و برای همین متأسفانه نمی‌توانم سریال را مرتب از تلویزیون دنبال کنم اما بخش‌هایی را از تلویزیون می‌بینم، چون برایم مهم است که تا چه حد توانستم شخصیت را به درستی ایفا کنم.

برخلاف این‌که معمولاً در آثار نمایشی ما، مادر شخصی مقدس و بی‌نقص است، در این سریال شخصیت مادر ضمن این‌که محترم شمرده می‌شود، اشتباهاتی دارد و مقابل سوده ایستاده. شما به عنوان بازیگر تقابل این دو

شخصیت که هر دو مادر هستند را چطور تفسیر کردید؟ این دو شخصیت با همدیگر متفاوت هستند. مادر قصه ما به دلیل علاقه بیش از حد به پسرش دچار ضعف است. طبق آنچه در فیلمنامه آمده معین، پسر بزرگ اوست که موقع به دنیا آمدنش هم با دشواری‌هایی مواجه می‌شود؛ به همین دلیل خیلی برایش عزیز است و به نوعی درباره او دچار وسواس شده. این‌که سوده قبلاً ازدواج کرده، بچه دارد و از پسر او بزرگ‌تر است هم باعث شده مادر برای پذیرش این عروس دچار چالش شود و نسبت به او حساسیت پیدا کند. چون برخی از این حساسیت‌ها را مادران ایرانی دارند می‌توانند با این شخصیت همراه شوند. با این‌که باور داریم امروزه

سوده، زنی مستقل و خودساخته است که سعی می‌کند در زندگی‌اش بیشتر با منطق جلو برود. همین ویژگی‌ها برای تان جالب توجه بود که این نقش را پذیرفتید یا دغدغه دیگری برای بازی در این نقش داشتید؟ وقتی فیلمنامه را خواندم خیلی شخصیت سوده را دوست داشتم و چالش‌هایی که با آنها روبه‌رو می‌شود برایم جذاب بود. هر چه کار جلوتر رفت دیدم سوده کشمکش با خود، خانواده‌اش و خانواده همسرش دارد و این کشمکش‌ها در زندگی شخصی و کارش هم تأثیر می‌گذارد. تضادهای این شخصیت و موقعیتی که در آن قرار دارد به نظرم جالب می‌آید و به همین دلیل بازی در این نقش را پذیرفتم. امیدوارم آن تصویری که از سوده



این میزان از مش مخاطبان او را تا اینجای قصه باشد و هر چه پیش او به وقایع پیش در قصه می‌گویند داشته اما می‌باید به آن پرداخته به خاطر همین داشت.

بسیاری از این مسائل فرهنگی در جامعه‌مان تغییر کرده است اما همچنان مادران زیادی هستند که چنین وسواس‌هایی نسبت به پسرشان دارند. من هم مادر یک پسر هستم و گاهی متوجه حساسیت‌های خودم نسبت به او و آینده‌اش می‌شوم. البته مادرانی که تمایل دارند پسرشان حتماً با دختری ازدواج کند که تا به حال ازدواج نکرده و بچه ندارد، معمولاً این دیدگاه را نسبت به دختران‌شان ندارند! اگر دخترشان جای آن عروس باشد به نظرشان اشکالی ندارد. نمی‌دانم چرا این نگاه وجود دارد؟! همان‌طور که اشاره شد سوده مقابل مادر همسرش قرار دارد. سوده شخصی است که کمتر اشتباه می‌کند.